

فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: 85625

Article Cod: SH18K450442

ISSN-P: 2676-6442

بررسی جرم تروریسم در فقه و نظام حقوقی ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۱/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۳/۰۹)

دکتر مظاهر خواجه‌وند^۱

دکتر مظاهر خواجه‌وند، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

سولماز غفاری

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

چکیده

در این پژوهش در نظر داریم به جرم تروریسم از منظر فقه و نظام حقوقی فقهی و اصول و چارچوب‌های اسلامی بپردازیم و ارکان و مصادیق و مرزهای این جرم را مورد بررسی قرار دهیم. همچنین به جهت بالابودن ارزش جان انسان در نظام فقهی و بالا بودن ارزش آبروی انسان در نظام فقهی، به جرم ترور شخصیت نیز در این پژوهش پرداخته ایم. این پژوهش را به شیوه توصیفی تحلیلی و از میان مطالعات کتابخانه‌ای و با استفاده از ابزار فیش برداری انجام می‌دهیم و به تحلیل و بررسی جرم تروریسم در نظام فقهی می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: تروریسم، نظام فقهی، نظام حقوقی اسلام، نظام حقوقی داخلی

مقدمه

ترور به معنای هراس افکنی، وضعیتی رعب آور است که از طریق دست زدن به رفتارهای خشونت آمیز و غافلگیرانه جهت دستیابی به اهداف سیاسی یا مذهبی پدید می آید. مسئله ترور به دلیل ایجاد نوعی اسلام هراسی در دوران معاصر، در جهان اسلام اهمیت پیدا کرده است. ترور در ادبیات دینی با واژه هایی چون فتنه، اغتیال و محاربه شناخته می شود. بر اساس مضامین آیاتی از قرآن، پیامبرانی چون حضرت صالح و حضرت محمد (ص) و همچنین عده ای از مؤمنان در معرض اعمال تروریستی قرار داشته اند. همچنین برخی از ائمه شیعه از جمله امام علی (ع) و امام حسن (ع) ترور شدند. به لحاظ فقهی تعرض به دیگران حرام دانسته شده، مگر اینکه جنبه دفاعی داشته باشد. فقیهان شیعه برای تحریم مطلق ترور به روایاتی از جمله روایت ابی الصباح کنانی از امام صادق (ع) و همچنین اصل عقلایی عدم ولایت بر جان و مال دیگران (حرام بودن تصرف در جان و مال دیگران) استناد کرده اند. در کتب فقهی، مصادیقی برای ترور نام برده شده است؛ از جمله ناامن کردن راه ها تحت عنوان قَطْعُ الطَّرِيق و همچنین سلب آسایش اجتماعی مردم، به خطر انداختن جان و مال مردم و تخریب اماکن عمومی تحت عنوان محاربه. طبق گزارشات تاریخی، قتل هایی در صدر اسلام به ویژه پس از فتح مکه رخ داده است که پژوهشگرانی آن را شبیه به ترور دانسته اند. در مقابل گفته شده که انجام این قتل ها نه مصداق ترور است و نه به خاطر کفر یا صرف ارتداد بوده است. این قتل ها، یا به خاطر ارتکاب قتل از سوی آن اشخاص مهدورالدم بوده و یا به سبب شرکت در جنگ، جاسوسی و آزار و اذیت مسلمانان و همچنین تحریک دیگران علیه دین اسلام بوده است.

• سوالات و فرضیه ها و اهداف پژوهشی

الف - اهداف پژوهشی:

شناخت جرم ترور و تروریسم از منظر نظام فقهی.

ب - سوالات پژوهشی:

جرم ترور و تروریسم از منظر نظام فقهی دارای چه ابعاد و ارکانی می باشد؟

ج - فرضیه های پژوهش:

جرم ترور و تروریسم از منظر نظام فقهی مورد جرم انگاری صورت گرفته است و مبانی تعریف و جرم انگاری جرم ترور در نظام حقوقی داخلی می باشد.

• مفهوم تروریسم

ترور برگرفته از واژه فرانسوی به معنای هراس افکنی، وضعیتی رعب آور و مملو از وحشت دانسته شده که از طریق دست زدن به رفتارهای خشونت آمیز و غافلگیرانه فردی یا گروهی جهت نیل به اهداف سیاسی و ایدئولوژیک و گسترش دیدگاه‌های خود پدید می‌آید. ترور در متون روایی و فقهی با واژه‌هایی چون قَتک، اغتِیال، ارهاب و محاربه مترادف، مرتبط و مشابه دانسته شده است؛ البته در عربی معاصر واژه ارهاب بیشتر ناظر به مسئله تروریسم مورد استفاده قرار می‌گیرد. ویژگی‌های ترور را توسل به زور و اقدامات خشونت آمیز جهت ایجاد ترس، اقدام به صورت غیرقانونی و غیرمشروع، هدف گذاری بر اساس اهداف سیاسی و ایدئولوژیک و همچنین کسب و حفظ قدرت دانسته‌اند.

• مرزهای مفهوم ترور

درباره تعریف واژه تروریسم اختلاف نظر وجود دارد؛ با این حال، تفاوت‌هایی میان ترور و تروریسم بیان شده است. به گفته پژوهشگران، ترور بیشتر ناظر به رفتارهای فردی و هیجانی یا عاطفی است که در کوتاه مدت انجام می‌پذیرد و در پی اهداف خاصی مانند قتل ناگهانی دشمن و مخالف است؛ اما تروریسم جریانی گروهی و سازمان یافته است که اهدافی متنوع تر از ترور را دنبال می‌کند. طبق این دیدگاه تروریسم با تعرض به جمع یا هدفی کوچک، جامعه بزرگ تری را با هراس مواجه می‌کند. برخی نیز معتقدند تروریسم در سطح نظری و ترور در حیطه عمل مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین از بعضی تعاریف مانند تعریف کنوانسیون کشورهای اسلامی چنین استفاده شده که ترور ابزاری در دست تروریسم است.

ترور با عملیات استشهادی نیز متفاوت دانسته شده است؛ چرا که ترور را یک فعالیت مجرمانه و خشونت آمیز معرفی کرده‌اند که برای ایجاد رعب و وحشت و با هدف سیاسی صورت می‌گیرد، در حالی که عملیات استشهادی در مقابل تجاوز و برای استیفای حقوق از دست رفته انجام می‌شود و راه دیگری نیز برای دریافت حق وجود ندارد. به گفته داوود فیرحی پژوهشگر فقه سیاسی، عملیات استشهادی در فقه شیعه ذیل مفهوم جهاد دفاعی قرار داده شده است. بر اساس این نظر عملیات استشهادی زمانی درست پنداشته می‌شود که در تقابل با نیروهای اشغال گر و دشمن صورت گیرد نه اینکه زنان و کودکان بی گناه را به کشتن دهد.

• حکم ترور در فقه

امام صادق علیه السلام: يَا أَبَا الصَّبَّاحِ هَذَا الْفَتْكُ وَقَدْ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ص عَنِ الْفَتْكِ يَا أَبَا الصَّبَّاحِ إِنَّ الْإِسْلَامَ قَيْدُ الْفَتْكِ ای ابوالصبح، این، ترور [غافلگیر کردن] است و رسول خدا صلی الله علیه و آله از ترور [فتک] نهی فرموده است. ای ابوالصبح، اسلام ترور را در بند قرار داده است. فقه شیعه هر گونه تعرض به دیگری چه مسلمان چه غیر مسلمان را در وضعیت غیردفاعی (دفاع از نفس یا جامعه اسلامی) تحریم کرده است. به گفته حسینعلی منتظری از مراجع تقلید شیعه، حرمت ترور و کشتن شخصی که مهدورالدم نباشد، از ضروریات دین است. تحریم مطلق ترور در فقه شیعه به آیاتی چون آیه ۳۲ سوره مائده و آیه ۳۳ سوره اسراء و روایاتی از جمله روایت ابی الصباح کنانی از امام صادق (ع) مستند شده است. طبق این روایت، امام (ع) با استناد به نهی پیامبر اسلام (ص) از هر گونه ترور، یکی از یاران خود را از کشتن سب کننده امام علی (ع) بر حذر داشت. از دیگر روایات مورد استناد برای حرام دانستن ترور، نقل همین روایت پیامبر اسلام (ص) از مسلم بن عقیل در خانه هانی بن عروه است، هنگامی که آنها برای ترور ابن زیاد برنامه ریزی کرده بودند و مسلم با یادآوری روایت پیامبر از ترور ابن زیاد امتناع کرد. دلیل دیگری که بر حرمت مطلق ترور حتی ترور افراد مهدورالدم به آن استناد شده، اصل عقلایی عدم ولایت و سلطه بر مال و جان دیگران است. طبق این اصل هیچ فردی حق تصرف در مال دیگران را ندارد و کشتن دیگر انسان ها حرام است. به باور حسینعلی منتظری، درباره ترور افراد مهدورالدم شک وجود دارد و هنگام شک، بنا بر اصل عقلایی عدم سلطه و ولایت بر جان و مال دیگران، حتی افراد مهدورالدم نیز با ترور و به صورت غافل گیرانه نباید کشته شوند.

• مصادیق ترور در فقه

طیف وسیعی از اقدامات و جرایمی که امروزه علیه اشخاص، اموال، امنیت و آسایش مردم صورت می گیرد، در کتب فقهی ذیل عناوینی در زمره مصادیق ترور شناخته شده است. ناامن کردن راه ها و اقدام بر ضد وسایل حمل و نقل عمومی که به انجام دهنده آن «قَطَاعُ الطَّرِيقِ» یا «لُصٌّ» گفته شده، از جرایم مسلم فقهی محسوب گردیده است. سلب آسایش اجتماعی مردم و به خطر انداختن جان و مال و ناموس مردم به عنوان نمونه روشن محاربه، از مصادیق اصلی ترور دانسته شده که حکم شدیدی در آیات و روایات برای آن تشریع شده است. تخریب اماکن عمومی و آلوده کردن منابع

زیستی یا تخریب محیط زیست از اقدامات تروریستی است که در آموزه‌های دینی و فقهی از آنها نهی شده است. اگر کسی که مرتکب چنین جرایمی شود، به عنوان محارب شناخته شده و علاوه بر جبران خسارت مادی، مجازات محاربه نیز بر او جاری خواهد شد.

• قتل‌های شبه ترور در صدر اسلام

بنابر برخی گزارشات تاریخی در صدر اسلام، به‌ویژه پس از فتح مکه، قتل‌هایی رخ داد که تعدادی از آنها به دستور پیامبر اسلام (ص) صورت گرفت؛ کشتن کعب بن اشرف، عصماء بنت مروان، ابوعفک شاعر، ابو رافع سلام بن ابی‌الحقیق و عقبه بن ابی‌معیط. از جمله قتل‌هایی است که شبهه ترور آنها وجود دارد. پژوهشگران دینی این قتل‌ها را نه مصداق ترور و نه به خاطر کفر یا صرف ارتداد دانسته‌اند؛ بلکه انجام آن، به خاطر ارتکاب قتل از سوی آن اشخاص و یا به سبب شرکت آن افراد در جنگ، جاسوسی و آزار و اذیت مسلمانان و همچنین تحریک دیگران بر علیه دین اسلام بود. به باور علی‌اصغر رضوانی، از پژوهشگران دینی، قتل کعب الاشرف و ابورافع بن ابی‌حقیق به دلیل محاربه، نقض پیمان و توطئه و تحریک دشمنان علیه اسلام و مسلمانان بود.^۱ نکته دیگر اینکه قتل آنها ترور محسوب نمی‌شود؛ چراکه به صورت علنی دستور قتل آنها صادر شده بود، در حالی که ترور مخفیانه و غافلگیرانه است.^۲ به گفته او کشته شدن ابوعفک شاعر به دستور پیامبر نبود. همچنین این قتل پس از نقض عهد و تحریک دیگران با شعر علیه مسلمانان صورت گرفت. قصه قتل عصماء بنت مروان را نیز قابل تردید دانسته‌اند؛ زیرا این عمل از ناحیه پیامبر نبود و قتل او به عمیر بن عوف نسبت داده شده که مردی کم‌بینا بوده و انجام این عمل با دقت و ظرافتی که در کتب تاریخی آمده از شخصی کم‌بینا امکان‌پذیر نیست. درباره قتل عقبه بن ابی‌معیط نیز گفته شده کشتن او پس از اسارت در جنگ بدر، به دلیل این بود که او در راه‌اندازی جنگ و تحریک بزرگان قریش علیه مسلمانان و همچنین اذیت و آزار مسلمانان نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است و آزادی او برای مسلمانان خطرناک محسوب می‌شد. نکته دیگری که درباره افراد مهدورالدم در کتب تاریخی آمده، بخشش تعدادی از آنها توسط پیامبر پس از ابراز ندامت و مسلمان شدن آنها به‌ویژه پس از فتح مکه بوده است. از جمله این افراد می‌توان به عکرمه بن ابوجهل، صفوان بن امیه، عبدالله بن سعد و حویطب بن عبدالعزی اشاره کرد.

• رویکرد اسلام و فقه به ترور نرم ترور شخصیت

حرمت انسان ها به عنوان اعضای جامعه، امری است که بسیار مورد توجه آموزه های دین مبین اسلام است. برای مثال در آیات ۱۱ و ۱۲ سوره حجرات دستورهای شش گانه ای در نهی از ارتکاب چند عنوان از مهم ترین رذائل اخلاقی ذکر شده که هر گاه به طور کامل در جامعه ای پیاده شود آبرو و حیثیت افراد جامعه از هر نظر بیمه می گردد. روایات معصومین نیز به ما می آموزد که آبرو و حیثیت افراد همچون مال و جان آنها است، بلکه از بعضی جهات مهمتر است! پیغمبر گرامی اسلام (ص) می فرماید: «خون و مال و آبروی هر مسلمانی بر مسلمان دیگر حرام است». بر این اساس اسلام «ترور شخصیت» را بسیار مذموم و ناپسند می داند. این دین مبین در راستای مقابله با این پدیده شوم، توصیه های فراوانی دارد: از جمله اینکه از «تهمت»، «مسخره کردن دیگران»، «عیب جویی»، «سخن چینی»، «غیبت»، بدبینی و «بد گمانی»، نهی و عاملان این اعمال را به شدت مورد مؤاخذه و تهدید به جزای سخت اخروی کرده است. از طرفی به همه افراد جامعه دستور داده تا از اعتماد به سخنان افراد «فاسق» اجتناب کنند تا با ترویج «شایعه» و دروغ مبارزه شود. در نهایت با «تشریع احکام قانونی سخت» با تروریست های شخصیت برخورد شدید می کند. نتیجه اینکه دین مبین اسلام از همه راههای ممکن تلاش دارد تا از هر گونه ترور شخصیت و انتشار شایعات در جامعه جلوگیری به عمل آورد و در کنار این پیشگیری ها با مجازات دروغ گوینان، اهل افتراء و ناشران اکاذیب، از حرمت و آبروی شهروندان پاسداری کند. ترور به دو شاخه حذف فیزیکی و ترور شخصیت تقسیم می شود. حذف فیزیکی همان کشتن پنهانی و غافل گیرانه افراد است و شاخه دیگر ترور، ترور شخصیت است که در طول تاریخ از آن به عنوان جایگزینی برای حذف فیزیکی افراد استفاده شده است. تروریست ها در ترور شخصیت بوسیله تبلیغات منفی علیه فرد یا افرادی، به تسخیر افکار و تغییر نگرش در مخاطبان خود پرداخته و با منفی بافی، سیاه نمایی و بزرگ نمایی نقاط تاریک زندگی فرد، نقاط ضعف او را آشکار ساخته و اعتماد عمومی را به او خدشه دار و یا سلب می کردند. در واقع ترور شخصیت یعنی اتهام بستن و شایع کردن جرمی در حق کسی، بدون آن که جرم وی اثبات شود و یا اینکه حتی جرمی واقع شده باشد. این کار به منزله نابود کردن فرد و کشتن شخصیت اوست و کمتر از ترور فیزیکی نیست. در طول تاریخ، ترور شخصیت ابزار کارآمدی برای حذف افراد و گروه ها از صحنه

اجتماع بوده است. تروریست ها برای این کار از ابزارهای گوناگونی استفاده می کردند، نظیر تهمت، غیبت، دروغ، شایعه پراکنی، افترا، ایجاد بدبینی، سیاه نمایی و... در واقع تروریست های شخصیت، با تهمت و افترا به افراد و گروه های جامعه، به بدنام کردن آنان می پردازند تا آن جا که فرد یا گروه، منزلت، نفوذ، قدرت و مقبولیت خود را از دست داده و در نهایت به انزوا کشیده شود. به عنوان مثال، با مطالعه زندگی تمام انبیاء الهی مشاهده می کنیم زمانی که مخالفان و دشمنان یکتاپرستی نمی توانستند در برابر معجزات پیامبران الهی (علیه السلام) پاسخی روشن و منطقی بیاورند، دست به ترور شخصیت آنها می زدند؛ آنان را مسخره می کردند و یا جادوگر و دیوانه می نامیدند. قرآن در این رابطه در آیه ۱۱ سوره حجر می فرماید: «وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» (هیچ پیامبری به سراغ آنها نمی آمد مگر این که او را مسخره می کردند). آنان وقتی استهزاء را بی اثر یافتند، در مرحله بعد، پیامبران را دیوانه، مجنون، ساحر و یا شاعر نامیدند. در واقع ساحر و مجنون خواندن پیامبران الهی، تهمتی بود که مشرکان برای ترور شخصیت انبیاء و اولیای الهی به آنان نسبت می دادند. آنان تلاش می کردند با اتهام جادوگری و جنون، انبیاء را از صحنه هدایت گری جامعه خارج نمایند تا بقای قدرت و شوکت خود را، که ریشه در جهل و نادانی بشر داشت، تضمین نمایند. همچنین معاویه هنگام به قدرت رسیدن تبلیغات منفی زیادی علیه حضرت علی (علیه السلام) کرد. هم خودش آن حضرت را بر منابر لعن کرد و هم دستور داد والیانش در اقصی نقاط سرزمین های اسلامی آن روز، آن حضرت را در منابر جمعه و جماعات لعن کنند. علاوه بر آن بسیاری از فریب خوردگان را واداشت تا علیه حضرت علی (علیه السلام) دست به جعل حدیث بزنند و ساحت مقدس ایشان را با اتهاماتی واهی مخدوش سازند^(۲). طبیعی است چنین تبلیغات مسمومی که به مدت ده ها سال از سوی دستگاه های تبلیغاتی حکومت های اموی و مروانی علیه آن حضرت انجام گرفت، اثر فراوانی در بدبینی بسیاری از نسل های برآمده و رشد یافته در آن فضای مسموم را در پی داشت و یکی از مصادق «ترور شخصیت» در تاریخ است. موضوع حفظ اعتبار و احترام انسان ها به عنوان اعضای جامعه اسلامی، امری است که بسیار مورد توجه آموزه های دین مبین اسلام است. برای مثال در آیات ۱۱ و ۱۲ سوره حجرات آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّغَابِ بِسْمِ الْأَلْسَانِ الْفُسُوقِ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ

يَتَّبِعْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ»؛ (ای کسانی که ایمان آورده اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند شاید آنها از اینها بهتر باشند و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند؛ و یکدیگر را مورد طعن و عیب جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید و آنها که توبه نکنند ظالم و ستمگرند* ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمانها گناه است و هرگز [در کار دیگران] تجسس نکنید؛ و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! [به یقین] همه شما از این امر کراهت دارید؛ تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه پذیر و مهربان است). در این آیات دستورهای شش گانه ای در نهی از ارتکاب چند عنوان از مهم ترین رذائل اخلاقی ذکر شده که هر گاه به طور کامل در جامعه ای پیاده شود آبرو و حیثیت افراد جامعه از هر نظر بیمه می گردد. نه کسی می تواند به عنوان خودبرتربینی دیگران را وسیله تفریح و سخریه قرار دهد و نه می تواند زبان به عیب جویی این و آن بگشاید و نه با القاب زشت، حرمت و شخصیت افراد را در هم بشکند و نه حق دارد حتی گمان بد ببرد و نه در زندگی خصوصی افراد به جستجو پردازد و نه عیب پنهانی آنها را برای دیگران فاش کند. به تعبیر دیگر انسان چهار سرمایه دارد که همه آنها باید در دژهای این قانون قرار گیرد و محفوظ باشد: جان، مال، ناموس و آبرو. آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) به ما می آموزد که آبرو و حیثیت افراد همچون مال و جان آنها است بلکه از بعضی جهات مهمتر است! اسلام می خواهد در جامعه اسلامی امنیت کامل حکم فرما باشد یعنی نه تنها مردم در عمل و با دست به یکدیگر هجوم نکنند بلکه از نظر زبان مردم و از آن بالاتر از نظر اندیشه و فکر آنان نیز در امان باشند و هر کس احساس کند که دیگری حتی در منطقه افکار خود تیرهای تهمت را به سوی او نشانه گیری نمی کند. پیغمبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) نیز در حدیثی می فرماید: «كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَ مَالُهُ وَ عَرَضُهُ؛ (خون و مال و آبروی هر مسلمانی بر مسلمان دیگر حرام است). این توضیحات جایگاه رفیع آبرو و حرمت انسان را در آموزه های اسلامی نشان می دهد. اسلام این شیوه حذف و ترور را بسیار مذموم و ناپسند می

داند؛ زیرا مخرب و ویران کننده حیات موفق ترین افراد جامعه می باشد و سبب تنزل روحیه افراد کارآمد و تشدید تضادهای گروهی می شود. این دین مبین در راستای مقابله با این پدیده توصیه های فراوانی دارد؛ از جمله اینکه با ابزارهای مورد استفاده در آن به مبارزه برخاسته است؛ مانند: نهی اسلام از معصیتی به نام «تهمت»: «تهمت زدن به بی گناه از زشت ترین کارهایی است که اسلام آن را به شدت محکوم ساخته است. خداوند در آیه ۱۱۲ سوره نساء می فرماید: «وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا»؛ (و کسی که خطا یا گناهی مرتکب شود سپس بیگناهی را متهم سازد بار بهتان و گناه آشکاری بر دوش گرفته است). این آیه و روایت متعددی که در باره این موضوع وارد شده نظر اسلام را در این زمینه روشن م سازد. امام صادق (علیه السلام) در باره این گناه بزرگ می فرماید: «فَإِذَا اتَّهَمْتُ أَنْمَاتِ الْإِيمَانِ فِي قَلْبِهِ كَمَا يَنْمَاتُ الْمُلْحُ فِي الْمَاءِ» (کسی که برادر مسلمانش را متهم کند ایمان در قلب او ذوب می شود همانند ذوب شدن نمک در آب). در حقیقت بهتان و تهمت، بدترین انواع دروغ و کذب است زیرا هم مفاسد عظیم کذب را دارد و هم زیان های غیبت و هم بدترین نوع ظلم و ستم است و لذا از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نقل شده که فرمود: «مَنْ بَهَتَ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً أَوْ قَالَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ أَقَامَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى تَلٍّ مِنْ نَارٍ حَتَّى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَهُ فِيهِ» (کسی که به مرد یا زن با ایمان تهمت بزند و یا در باره او چیزی بگوید که در او نیست، خداوند در روز قیامت او را بر تلی از آتش قرار می دهد تا از مسئولیت آنچه گفته است در آید). در حقیقت رواج این کار ناجوانمردانه در یک محیط، سبب به هم ریختن نظام و عدالت اجتماعی و آلوده شدن حق به باطل و گرفتار شدن بی گناه و تبرئه گنهکار و از میان رفتن اعتماد عمومی می شود. توییخ مسخره کنندگان: خداوند در آیه ۱۱ سوره حجرات می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُوا قَوْمٍ مِنْ قَوْمٍ»؛ (ای کسانی که ایمان آورده اید! نباید گروهی از شما گروه دیگر را مسخره کنند). تحریم عیب جویی: خداوند در آیه ۱۱ سوره حجرات «وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ»؛ (یکدیگر را مورد طعن و عیب جوئی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید). ممنوعیت سخن چینی: امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «شَرُّكُمْ الْمَشَاءُونَ بِالنَّمِيمَةِ الْمُفَرَّقُونَ بَيْنَ الْأَحْبَةِ الْمُتَبَعُونَ لِلْبُرَاءِ الْمَعَايِبَ». (بدترین افراد آنهایی هستند که به سخن چینی می کنند و در میان دوستان جدایی می افکنند و در جستجوی عیب برای افراد صالح و پاکدامن

اند). تحریم غیبت، بدبینی و بدگمانی: این اخلاقیات از جمله مهم ترین روش های تخریب وجهه افراد و گروهها می باشد. قرآن در آیه ۱۲ سوره حجرات در این رابطه می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ»؛ (ای کسانی که ایمان آوردید؛ از بسیاری از گمان ها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمان ها گناه است؛ و [هرگز در کار دیگران] تجسس نکنید؛ و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند). خداوند در این آیه قرآن با ممنوع دانستن گمان های ناپسند، تجسس و غیبت در زندگی و رفتار دیگران، سدی محکم در برابر ترور شخصیت ایجاد نموده است. در واقع اسلام با تحریم این گونه اقدامات، آثار آنها را ممنوع و حرام می داند. چرا که وقتی تجسس و غیبت حرام گردید، دیگر بوسیله غیبت نمی توان شخصیت افراد را لگد کوب نمود. پرهیز جامعه مؤمنین از اعتماد به سخنان افراد فاسق: در آموزه های اسلامی برای «پیشگیری از رواج شایعات»، از مسلمانان شده خواسته است که سخن چنین افرادی را نپذیرند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ». (ای کسانی که ایمان آورده اید اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد درباره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید، و از کرده خود پشیمان شوید). نتیجه اینکه دین مبین اسلام از همه راههای ممکن تلاش دارد تا از هرگونه ترور شخصیتی جلوگیری به عمل آورد؛ از پیشگیری گرفته تا جلوگیری از انتشار شایعات در جامعه. احکام جزایی باز دارنده: پیشگیری های فوق در کنار احکام مجازات اتهام های دروغین اخلاقی و افتراءات اجتماعی و نشر اکاذیب، نشان از جایگاه حساس حرمت و آبروی شهروندان در جامعه اسلامی است. به طور مثال حد قذف (متهم ساختن فردی به جرم زنا و لواط) طبق نص صریح قرآن در آیه ۴ سوره نور، هشتاد ضربه شلاق است: «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ (و کسانی که زنان پاکدامن را [به زنا] متهم می کنند، سپس چهار شاهد [بر مدعی خود] نمی آورند، آنها را هشتاد تازیانه بزنید و شهادتشان را هرگز نپذیرید؛ و آنها همان فاسقانند). این آیه راه هر گونه ادعای بی پایه را سد کرده و اثر تبلیغاتی مدعیان دروغین را با نپذیرفتن شهادتشان خنثی می کند. در افترا به وسیله نشر اکاذیب، اعم از این که از طریق مزبور به نحوی از انحاء، ضرر مادی یا معنوی به غیر

وارد شده باشد یا نه، قانون گذار علاوه بر این که اعاده حیثیت شخص مورد افترا را در صورت امکان لازم دانسته، بلکه مرتکب را مستحق حبس تغزیری از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا ۷۴ ضربه شناخته است (ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی).

نتیجه گیری

از نظر لغوی، تروریسم از کلمه ترور گرفته شده که در زبان فرانسوی به معنای خوف و وحشت است و تروریسم به معنای هراس افکنی، وحشت افکنی یا دهشت افکنی می باشد. ولی در اصطلاح تعاریف متعدد و گوناگونی از تروریسم ارائه شده است. وزارت دفاع ایالت متحده در سال ۱۹۹۰ میلادی تروریسم را چنین تعریف نموده است: «کاربرد غیرقانونی یا تهدید به کاربرد زور یا خشونت بر ضد افراد یا اموال برای مجبور یا مرعوب ساختن حکومت ها یا جوامع که اغلب به قصد دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک صورت می گیرد.» دانشنامه بریتانیا نیز از تروریسم چنین تعریف ارائه نموده است: «کاربرد سیستماتیک ارباب یا خشونت پیش بینی ناپذیر بر ضد حکومت ها، مردمان یا افراد برای دستیابی به یک هدف سیاسی است.» فرهنگ حقوقی به لک تروریسم را چنین تعریف می نماید: «تروریسم استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت برای ارباب یا ایجاد ترس خصوصاً به عنوان وسیله ای برای تأثیر گذاشتن بر رفتار سیاسی می باشد.» با اینکه هیچ توافق کلی روی تعریف واحد از تروریسم وجود ندارد؛ ولی سه محور اصلی در تروریسم به نظر می رسد: اول، تروریسم همراه با خشونت یا تهدید به خشونت است. دوم، تروریسم یک پدیده ی معنادار و حامل پیامی است. سوم، تروریسم دارای عقلانیت سودمحور است. جنبه ی خشونت آمیز تروریسم بر هیچ کس پنهان نیست. در این میان، گروه موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) بیش از هر گروهی دیگر دست به خشونت می زند. زنده آتش زدن افراد، اعم از زن و مرد، زشت ترین، غیر انسانی ترین و خشن ترین چهره ای این گروه را به نمایش می گذارد. به گفته بسیاری از حقوق دانان به طور سنتی انگیزه مرتکبین اقدامات تروریستی نیل به اهداف سیاسی بوده است. اما امروزه این عقیده به جد به چالش کشیده شده است. انگیزه های ایدئولوژیک یا مذهبی یا حتی انگیزه های ایجاد تغییرات اجتماعی و آموزشی نیز می تواند محرک مرتکبین اقدامات تروریستی باشد. بعضاً در آرمان گرایی های افراطی مذهبی، تروریست ها هیچ گونه توجهی به کسب شهرت و قدرت سیاسی ندارند. به هر حال تروریسم پدیده جدیدی نیست، تاریخ مشحون از

اقدامات شوم تروریستی است که با انگیزه‌های گوناگون ارتکاب یافته و حیات انسان‌های بی‌گناه بی‌شماری را سلب نموده و حقوق، آزادی‌ها و امنیت مردم را به مخاطره افکنده است. امروزه اما تروریسم از تهدیدی ملی به یک تهدید بین‌المللی تبدیل شده و خوف آن وجود دارد که با گسترش صلح و امنیت بین‌المللی به مخاطره افتد. با توجه به فلسفه ظهور و بروز چنین جرائمی و همچنین بستر ارتکاب اقداماتی این‌چنینی، می‌توان از ابعاد گوناگونی این پدیده را مورد بررسی قرار داد و تعاریف سنتی و فقهی ارائه شده از آن را به چالش کشید.

منابع و مآخذ

- امیر ارجمند، اردشیر و عبدالهی، محسن، اعمال حقوق بشر در مبارزه با تروریسم، نامه حقوقی، ۶۴، ج ۳، ۱۳۸۶.
- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲.
- جلالی فراهانی، امیر حسین، پیش‌گیری وضعی از جرائم سایبر در پرتو موازین حقوق بشر، مجله‌ی فقه و حقوق، شماره ۷، ۱۳۹۴.
- خدابنده، محمد، تحول تروریسم در عصر جهانی شدن در چهارچوب امنیت پست‌مدرن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان.
- عالی‌پور، حسن، حقوق کیفری فناوری اطلاعات، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه.
- گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی ۱، ۲، ۳، نشر میزان، ۱۳۸۶.
- جمشید، محمد حسین و محمد جواد قربی، «جهانی شدن و تحول مفهوم تروریسم»، فصلنامه چالش‌های جهان، سال سوم، شماره اول، ۱۳۹.